



هفته نامه فرهنگی، خیری
مدرسه دانتجویه فنران و عزت
دانتگاه تهران
شماره ۲۳۳

پنجشنبه

۱۹ بهمن ۱۳۹۶

۲۱ جمادی الاول ۱۴۳۹

kashef@quranetratschool.ir

www.QuranEtratSchool.ir

سال هفتم

ویژه نامه طیب سخن

با کودکان خود
طیب سخن
بگویم

ویژه محققان حوزه کودک



احمد رضا اخوت

پرونده

طیب یعنی تو؛ مادر علی با من حرف بزن!

بیانات آقای اخوت در کارگاه معرفی کتاب «طیب سخن» با محوریت تکلم طیب و رویکرد به ادعیه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام ۵ بهمن ۹۶

مقدمه

کتاب جدید «با کودکان خود طیب سخن بگویم» از جمله کتاب‌های راهبردی در حوزه کودک است که سعی دارد با بهره‌مندی از آیات و روایات، رویکرد الهی برخورد با کودک در هفت سال ابتدایی رشدش را، با محور قرار دادن کلام و تکلم، و غایت طیب سخن گفتن با کودک، برای والدین و مربیان^۲ کودک بازگو نماید.

در کارگاه برگزار شده برای معرفی این کتاب، مؤلف (استاد احمد رضا اخوت)، مباحث مطرح شده در کتاب را در قالب بحث دعا به عنوان مصداقی از تکلم طیب، با رویکردی به ادعیه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام، ارائه نمودند.

کلام، تکلم و ادبیات طیب (با رویکرد به ادعیه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام)

نقش کلام در زندگی

درباره اهمیت کلام، تکلم و ادبیات در زندگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. به وسیله کلام، فرهنگ خود را انتقال می‌دهیم؛ ادبیات‌سازی به ویژه در حوزه فرهنگ‌ها، ادبیات فرهنگ‌ها را بوجود می‌آورد؛
۲. به وسیله حرف زدن‌هایمان با هم ارتباط برقرار می‌کنیم؛
۳. به وسیله حرف زدن‌هایمان، غرض‌ها و مقاصدمان را منتقل می‌کنیم؛
۴. به وسیله حرف زدن‌هایمان، حقایق و علوم را می‌فهمیم و می‌فهمانیم؛
۵. به وسیله حرف زدن‌هایمان، تعاریف زندگی‌مان را می‌سازیم و براساس تعاریف‌مان، تصمیم می‌گیریم؛
۶. به وسیله حرف زدن‌هایمان، احساسات را هم می‌فهمیم و هم منتقل می‌کنیم؛
۷. به وسیله حرف زدن‌هایمان، تصمیمات زندگی‌مان

را اعلام می‌کنیم؛

۸. به وسیله حرف زدن‌هایمان، فکر می‌کنیم و تفکر دیگران را فعال می‌کنیم؛

۹. و ...

- اگر در حرف زدن ما اختلال ایجاد شود، همه مواردی که در بالا ذکر شد، به هم می‌ریزد. بالعکس این امر هم صادق است یعنی اگر موارد بالا به هم ریخته باشد، نشانه این است که کلام درست نبوده است.

- برای اصلاح روابط، مقاصد، تعاریف و... باید روی کلام و تکلم، و اصلاح و ارتقاء آن تمرکز کرد.

- اگر بنا باشد فقط یک بخش از زندگی‌مان را درست کنیم تا همه بخش‌های دیگر، به طور خودکار، درست شود، آن بخش «کلام» است.

تعریف کلام

- برای آنکه کلام شکل بگیرد، حتما باید تمامی موارد زیر در فرآیند آن وجود داشته باشد:

• یک گوینده؛

• حداقل یک شنونده؛

• پیامی منتقل شود؛

• و قصدی از گوینده انتقال پیدا کند.

- هر یک از مؤلفه‌های بالا وجود نداشته باشد، آنچه اتفاق می‌افتد، «قول» است نه «تکلم».

انواع کلام

قالب‌های کلام؛

۱. گفتاری: همه کلام‌هایی که می‌گوییم.

۲. رفتاری: آن وقتی است که کاری انجام می‌دهیم تا کسی منظور ما را بفهمد، از این نوع از کلام بهره می‌بریم؛ مثل همایش برگزار کردن یا جابه‌جا کردن وسایل خانه.

۳. اشاره‌ای یا رمزی یا سُرّی: آنچه از آن به عنوان القاء یاد می‌کنیم، یکی از انواع این نوع از کلام است؛ مثل

اینکه در دلتان به همسران القاء می‌کنید که حرفی را بگوید یا کاری را انجام دهد. اگر بتوانیم این نوع از کلام را مدیریت کنیم، می‌توانیم بسیار از آن بهره ببریم؛ زیرا به ابزار هم نیازی ندارد.

بسیاری از کارهای ما برگرفته از کلام‌های رفتاری و سُرّی است و بیش از کلام گفتاری هم بر فرزندان‌مان اثر دارد. مثل اینکه در خانه ماهواره داریم؛ اما قرار ما با خودمان این است که فقط وقتی بچه‌ها در اتاق دیگر یا خواب هستند از آن استفاده کنیم. غافل از اینکه این قرار ما در قالب رفتار و سُرّ بر فرزندان‌مان تاثیرگذار است و در این صورت، به او یاد می‌دهیم که می‌تواند کارهایی را، فارغ از درست یا غلط بودن، در خفا انجام دهد (رفتاری) و نیز به او مشق گناه می‌کنیم (سُرّ).

شنوئات کلام:

۱. شأن تکوینی:

گرچه به واسطه شأن اختیاری اتفاق می‌افتد؛ اما هیچ اختیاری نسبت به آن وجود ندارد. مثلا از وقتی وارد منزل فردی می‌شوید، نوع گفتمان دینی آن‌ها را با توجه به الفاظی که به کار می‌برند یا نوع چینش وسایل منزل‌شان متوجه می‌شوید.

۲. شأن اختیاری:

آن گونه‌ای است که اختیار می‌کنیم باشیم. اولویت این است که انسان نسبت به کلام تکوینی‌اش شعور پیدا کرده و از دستش خارج نشود یعنی بداند چه کلامی را به صورت تکوینی به دیگران منتقل می‌کند.

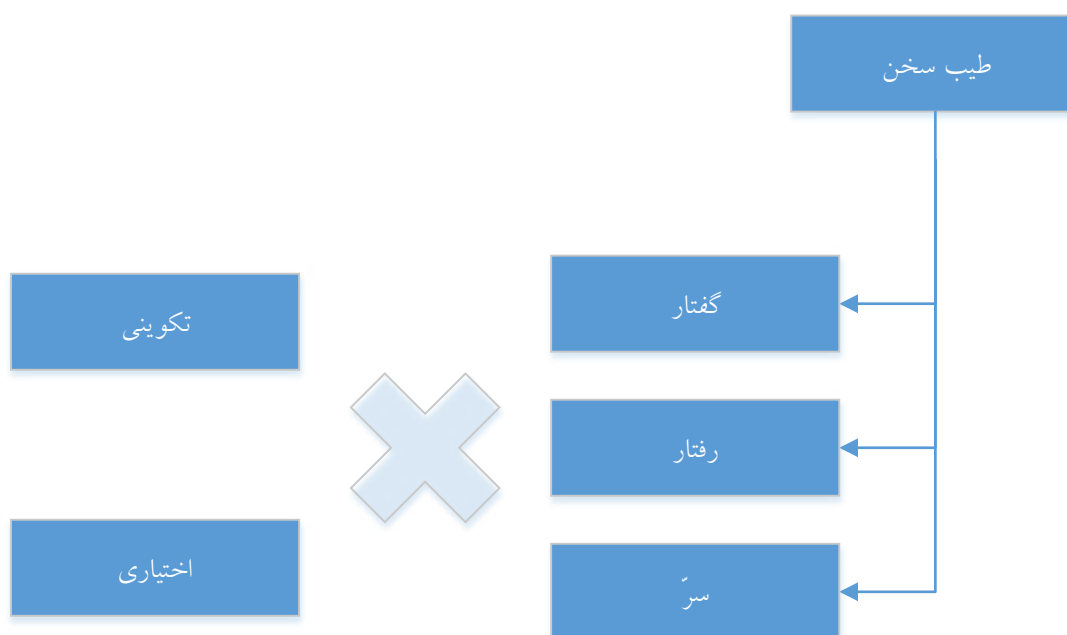
ادبیات تکوینی یعنی:

وضعیت فرد، او را در مقام مخاطب و متکلم قرار می‌دهد، به گونه‌ای که آن وضعیت، به عنوان نماینده‌ای، اعتقادات و باورهای وی را برای دیگران شرح می‌دهد. در واقع، همان ضرب‌المثل معروف

پیشانی‌شان را کعبه و ساجد بودن آن‌ها نوشته شده است و این همان ادبیات تکوینی است. بر اساس سور مبارکه نبأ و غاشیه، خداوند به ادبیات تکوینی انسان هم، جزا و عقاب می‌دهد. با توجه به آنچه بیان شد، طیب سخن به معنای مجموعه گفتار، رفتار، سر، تکوین و اختیار است.

و از راه سکوت، مطالب را انتقال می‌دادند. یادرسوره مبارکه فتح آمده است: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَكَهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ...﴾؛ یعنی روی پیشانی فرد نوشته است که من مال خدا هستم، نه اینکه او را در حال رکوع و سجود می‌بینید؛ بلکه... ﴿سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ...﴾ یعنی روی

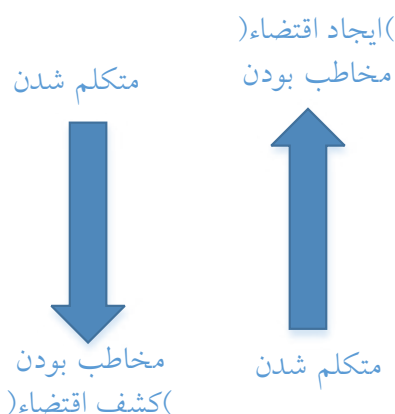
است که: از کوزه همان برون تراود که در اوست. مثلاً حسود حرف هم بخواد بزند، ولو خیرخواهانه، باز ضرر می‌رساند. یا اینکه گفته شده است که برخی علما وقتی نزد بانو مجتهد امین می‌رفتند، در محضر ایشان می‌نشستند و سکوت می‌کردند. بانو امین هم سکوت می‌کردند و در همین سکوت، علما، علم دریافت می‌کردند و می‌رفتند. این همان ادبیات تکوینی است یعنی تکوین ایشان روی سکوت بوده



خاص خود را دارد. انسان برای آنکه بتواند متکلم شود، باید کسی را برای مخاطب بودن متقاعد کند و هم چنین برای قرار گرفتن در مقام مخاطب، باید اقتضائات و نیازهایی را در خود ایجاد نماید.

می‌گوید یا دعایی می‌خواند، او متکلم است و خداوند، مخاطب و آنگاه که گوش تیز می‌کند برای شنیدن از خداوند، او مخاطب می‌شود و خداوند، متکلم متکلم شدن و مخاطب بودن، هر یک، اقتضائات

تخاطب در کلام
متکلم و مخاطب لازمه هر تکلمی است. انسان برای تکلم، گاهی در مقام متکلم و گاهی در مقام مخاطب قرار می‌گیرد و در هر یک از این شئون به گونه‌ای عمل می‌کنند. مثلاً وقتی با خدا سخن



ج. می تواند از نظر رتبه پایین تر از خودش باشد.
۳. تکلم با خدا.

انسان در تکلم خود می تواند انواعی از مخاطب را
مورد خطاب قرار دهد:

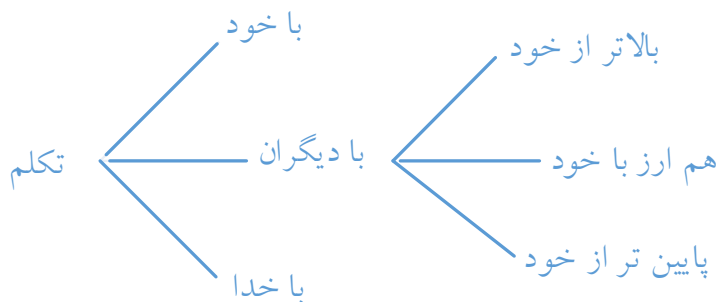
۱. تکلم با خود: وقتی انسان تفکر می کند، در واقع
به صورت معناداری، خودش را متکلم و مخاطب

قرار می دهد.

۲. تکلم با دیگران:

الف. می تواند از نظر رتبه بالاتر از خودش باشد.

ب. می تواند از نظر رتبه هم ارز خودش باشد.



همراه با ترس از عاقبت است که عاری از خشونت، بی خیالی و بی احساسی است. مصداق مهم چنین لحنی را می توان در حدیث کساء و گفتار حضرت صدیقه طاهره علیها السلام با سایر بزرگواران جست. لحنی که فقط بیان کننده احساس نبوده و مقصد و غایت نیز با خود به همراه دارد. وقتی ایشان، فرزند خود را «قرة عینی و ثمره فؤادی» خطاب می کنند، در حقیقت می فرمایند: «ای کسی که می خواهم تو مومن باشی تا باعث سرافرازی من باشی».

لحن القول، علاوه بر سوره مبارکه طور، در سوره مبارکه فتح و محمد ^{۱۱} نیز برجسته است. اساس لحن القول را می توان در آیه ۱۵ سوره مبارکه محمد یافت: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءُهُمْ»؛ صفت بهشتی که پرهیزکاران بدان وعده شده اند (این چنین است که) در آن نهرهایی است از آبی که طعم و بویش برنگشته، و نهرهایی از شیر که طعمش تغییر نکرده، و نهرهایی از شراب که سراپا لذت است برای نوشندگان، و نهرهایی از عسل تصفیه شده، و برای آنها در آنجا از هر گونه میوه هست و نیز آمرزشی از جانب پروردگارش. (آیا اینان) مانند کسانی اند که در آتش جاودانه اند و آبی جوشان به آنها خوراند می شود که روده هایشان را پاره پاره می کند؟»

بر اساس این آیه، لحن القول ها شامل موارد زیر است:

۱. ایجاد کننده حکمت (عسل مصفی)؛

۲. ایجاد کننده مسرت و سرور (لبن)؛

۳. ایجاد کننده لذت (خمر).

إِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ * رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ * رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ^۷ و این گونه است که دعا شکل می گیرد.

مثلا والدین باید فرزند شیرخوارشان را از یک سو مخاطب خود دانسته و با او صحبت کنند و از سوی دیگر او را متکلم دانسته و منتظر شنیدن حرف هایش باشند. اگر بتوانند خودشان را مخاطب او نیز ببینند، بین آنها رابطه ایجاد شده و تفاهم شکل می گیرد، یعنی بین فهم ها ارتباط ایجاد می شود.

اولین نقص والدین در حوزه تعلیم و تربیت، این است که خودشان را متکلم صرف و فرزندشان را نیز مخاطب صرف می دانند ^۸.

تبیین اجزای کلام و تکلم طیب

برای داشتن تکلم (داد و ستد) طیب، باید به طیب بودن اجزای آن اهتمام داشت؛ از این رو، در ادامه، به اجزای تکلم و کلام می پردازیم:

الف. لحن:

لحن، روح و اساس کلام و بیان کننده غرض متکلم بوده و بیان کننده حالت و احساسی است که متکلم نسبت به مخاطب دارد.

لحن انواع مختلفی دارد که از جمله آن می توان به لحن مهربانانه، دلسوزانه، برطرف کننده احتیاج و... اشاره کرد.

لحن طیب را با توجه به سوره مبارکه طور می توان «لحن مشفقانه» نامید:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ * ... * وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ * قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ^۹﴾

لحن مشفقانه، لحنی از روی دلسوزی و مهربانی

با توجه به آنچه گفته شد، برای سخن گفتن، اولین گام این است که بدانیم با چه کسی می خواهیم صحبت کنیم؛ زیرا سرگفت و گوی درست این است که فرد به عنوان متکلم بتواند مخاطب خودش را انتخاب کرده و از مخاطب تصادفی بپرهیزد، بنابراین برای طیب سخن گفتن باید راه و نیز رمز گفت و گو با خود، خدا و دیگران را کشف کنیم.

مراحل رشد کودک در بستر کلامی

مراحل رشد کودک برای تکلم وی به شرح زیر است:

۱. کودک هنوز متولد نشده و همسران قصد فرزندآوری دارند؛

۲. کودک در دوره جنینی است؛

۳. کودک در دوره شیرخوارگی است؛

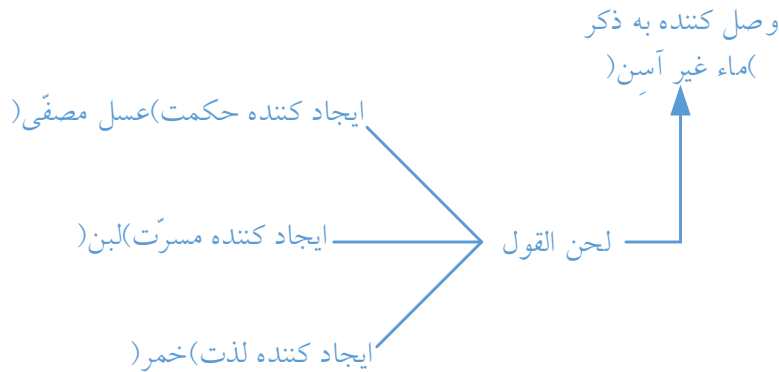
۴. کودک به تکلم افتاده است؛ اما تکلم او کامل نیست؛

۵. کودک تکلم کاملی پیدا کرده است.

در تمامی این پنج دوره، والدین باید تلاش کنند که خود را در مقام متکلم قرار داده و قصد پیام رسانی را به صورت خاص اختیار کنند. اگر این قصد اختیار نشود، تربیت کودک از مسیر تکلم اتفاق نمی افتد.

علاوه بر این، والدین باید بدانند که در تمامی این دوره ها، در هر موقعیتی، صرفا متکلم نبوده و خود را در مقام مخاطب نیز ببینند؛ همانند آنچه حضرت ابراهیم علیه السلام با نسل خود می فرمایند:

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ * رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَ



لحن اولین بخشی است که در کلام به وجود می آید و ایجاد آن نیز به پیش از تولد باز می گردد. در این دوره، به دلیل آنکه لحن، تنها بخش شکل گرفته از کلام است، اثرگذاری آن نیز بسیار زیاد خواهد بود. اشکال مختلف لحن در مراحل رشد کودک در بستر کلامی را می توان در جدول زیر مشاهده کرد:

و سرّی سر سفره و هنگام غذا خوردن است. در این موقعیت، تکلم گفتاری نیز باید فعال کننده تکلم های رفتاری و سرّی باشد. با توجه به آنچه گفته شد، لحن، مهم ترین بخش کلام بوده و اولین جایی است که می تواند کلام را دارای اثر مخرب کند.

لحن القول ها را می توان در گفتارها پیدا کرد. والدین باید به لحن القول خود با فرزندانشان توجه کرده و درصدد اصلاح آنها برآیند تا عاری از خشونت، بی خیالی، بی احساسی، تحقیر یا اعتراض باشد. بهترین موقعیت برای هر خانواده ای در بروز لحن القول طیب در حوزه های مختلف گفتاری، رفتاری

تکلم طیب	قبل از تولد	جنین	شیرخوارگی	تکلم	تکلم کامل
					- دعا +
				- دعا +	- القاء (همراه با تکریم)
				- القاء +	- کلام تعلیمی +
				- کلام تعلیمی	- استقلال در تمایز ----- القاء ذکر است.

و کریمانه نباشد، تبدیل به لحن خبیث شده و در گفتار، رفتار و سرّ اثر دارد. مهمترین راهکار اصلاح لحن والدین این است که آن ها خدا نباشند، بلکه نماینده خدا باشند؛ یعنی حکم هایی که در موارد مختلف به فرزندانشان می گویند، از جانب خودشان نگفته، بلکه حتما حکم خدا باشد.

ب. دایره واژگان (اساس تکلم طیب):

دایره واژگان که اساس و اجزای تکلم را شکل می دهد، به سه صورت حرفی^{۱۲}، اسمی و فعلی است.

همه فهم های کودک، مثل اسم هایی که می شنود یا رفتارهایی که می بیند، دایره واژگان او را می سازد. مثلا وقتی کودک به خاطر دیدن کسی، گریه می کند یا می خندد، در واقع، آن فرد را به صورت یک واژه

می کند و گرنه قطعا صالح است و همه این باورها در لحن من جاری می شود. در حقیقت، دعای من تکلم من با فرزندم را می سازد. اگر فرزندمان را ثمره دعای خود ندانیم، لحن مان غیرطیب می شود. در واقع، لحن از روی خشونت، بی احساسی و... همگی، محصول لحن خالی از دعا است.

هم چنین، از آنجا که تقویت سیادت، غایت دوره اول رشد است؛ از این رو باید لحن، کریمانه و در جهت تکریم کودک باشد یعنی باید به گونه ای با او رفتار کرد که او همه چیز را می داند و اوپی که قرار است بیاموزد، ما هستیم.

همه انحرافات که در کلام غیرطیب وجود دارد، ناشی از لحن است. لحن هایی که در آنها استکبار و منیت وجود داشته است و خاضعانه، متواضعانه

لحن القول در دوره پیش از تولد صرفا به دعا تبدیل شده و همان ریتم می بایست در دوره های بعد به تکلم تبدیل شود. برای فهم بیشتر این مطلب به مثال زیر توجه کنید:

من پیش از تولد فرزندم دعا کرده ام که فرزندم صالح، سالم و محبّ اهل بیت^{علیهم السلام} شود. حالا وقتی او را به سفره غذا دعوت می کنم، در حقیقت در سرّ می گویم که ای صالح اهل بیت^{علیهم السلام}! بیا سر سفره. چون من باور دارم که خدا هیچ دعایی را بدون استجابت نمی گذارد؛ پس دعای من نیز مستجاب شده است و این یعنی به اتکای باورم به استجابت دعایم، در تکلم خود با فرزندم نیز او را صالح محبّ اهل بیت^{علیهم السلام} می بینم و صدا می کنم. و حتی اگر در مواردی، خلاف چنین امری را در او مشاهده کنم، مطمئن هستم که او بازگوشی

را متنوع کرده و توسعه دهد. مثلاً اگر تردد والدین، محل‌های غن‌آلود باشد، واژه‌های اضطرابی در فرزند ایجاد می‌شود؛ اما حضور در اماکن معنوی و ایمانی، دایره واژگان ایمانی و امنیت‌بخش را در کودک شکل می‌دهد. اشکال مختلف شکل‌گیری دایره واژگان، در مراحل رشد کودک در بستر کلامی را، می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد:

مختلف به زندگی افراد نیز از طریق دایره واژگان اتفاق می‌افتد. کشف واژگان نقش گرفته در فرزند، مدخل ورود به شخصیت وی بوده و شاکله او را از این طریق می‌توان شناخت. دایره واژگان به واسطه تردد و حضور ساخته می‌شود. تردد و حضور والدین و فرزندان با هم و یا حضور والدین به تنهایی یا فرزندان به تنهایی در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف می‌تواند دایره واژگان کودک

دیده و عکس‌العمل نشان داده (غریبه را ناامنی دیده و گریه کرده است) یا وقتی تلفن به صدا در می‌آید و یک ساعت وقت مادر را به خود اختصاص می‌دهد، این عمل برای کودک معادل واژه بی‌محلی می‌شود. در حقیقت، والدین با انواع کلام گفتاری، رفتاری و سری خود در حال زیاد کردن بی‌رویه و بدون منطق واژگان فرزندانشان هستند. ورود فرهنگ‌های

تکلم طیب	قبل از تولد	جنین	شیرخوارگی	تکلم	تکلم کامل
دایره واژگان	- آرزوهای الهی، موحدانه و خالصانه	- خلق جدید و مواجهه با تولید و شگفتی‌های آن	- والدین واژه‌سازان اصلی کودک هستند. گفتار، رفتار و سرّ آنها برای کودک به واژه تبدیل می‌شود. - حافظه، تخیل، تفکر و تکلم کودک بر اساس دایره واژگان این دوره شکل می‌گیرد.	- دایره واژگان از ناحیه افراد دیگر به کودک انتقال می‌یابد، بویژه رسانه. - ورود ارتباطات به محل خطر تبدیل می‌شود؛ چون در کنترل والدین نیست.	- تخیل کودک - واژه‌سازی می‌کند. - کنترل تخیل کودک باعث می‌شود دایره واژگان او به طیب بودن نزدیکتر شود. - هر چه کودک با فضای مجازی بیشتر ارتباط بگیرد، دایره واژگانش غیرطیب می‌شود. - هر چه کودک با طبیعت بیشتر ارتباط بگیرد، دایره واژگانش طیب می‌شود. - در این دوره، ارتباط با طبیعت مثل رزق برای کودک است.

باشد، وگرنه بهره‌بردن گفتاری از دعا، به تنهایی، چه بسا تأثیر مخرب خواهد داشت. دایره واژگان مرتبط با مباحث اخلاقی مانند رعایت حقوق، حسد داشتن و نداشتن و... به دوره سوم رشد مرتبط شده و پرداختن به آنها در این دوره خطاست. در این دوره، کودکان، نوعی خودمحوری دارند که اجازه ورود این بخش از کلمات را به دایره واژگان خود نمی‌دهند. ۱۰. در انتقال واژگان می‌بایست گفتار، رفتار و سرّ والدین هم‌راستا باشد. ۱۱. اساس واژگان این دوره واژه‌های رحمت، رأفت و امنیت است؛ زیرا بیشترین القای محبت و بغض، به صورت معلوم، در هفت سال اول (به‌ویژه در سنین ۴ تا ۶ سالگی) انجام می‌شود؛ از این رو، باید سراغ

۵. دایره واژگان اصلی و عمقی کودک از طریق والدین به او انتقال می‌یابد. واژگانی که از سایرین مثل خواهر و برادر یا... به کودک منتقل می‌شوند، سطحی است. ۶. خشونت و مشاجرات والدین با هم، به‌ویژه در دوره شیرخوارگی، واژه‌های ترس، اضطراب و... را در کودک ایجاد می‌کند. ۷. بحث دعا از شیرخوارگی برای کودک آغاز می‌شود. ۸. خواندن ادعیه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام برای کودک، در شکل‌گیری دایره واژگان طیب برای او بسیار مؤثر بوده و آن را داعی می‌کند. ۹. البته قطعاً این تأثیر به شرطی خواهد بود که رفتارهای والدین نیز هم‌راستا با کلام داعی آن‌ها

در راستای شکل‌گیری دایره واژگان طیب برای کودک، توجه به نکات زیر برای والدین ضروری است: ۱. سور مبارکه احقاف و اعراف در زمینه دایره واژگان بسیار کمک‌کننده هستند. ۲. هر چه تکلم مادر در دوره بارداری، با خدا تقویت شود، دایره واژگان کودک داعی و توحیدی می‌شود. ۳. انتخاب نام زیبا برای کودک نقشی مؤثر در ایجاد دایره واژگان طیب دارد. ۴. مراقبت بر مکان‌های حضور والدین - به‌ویژه مادر در دوران بارداری - بسیار مهم است. حضور زیاد در اماکنی مثل بیمارستان، قبرستان و... و اماکنی که القائات منفی دارند و نیز هم‌نشینی با افراد منفی، دایره واژگان کودک را معیوب می‌کند.

این واژگان و مشتقات آن‌ها رفته و حتماً آن‌ها را در دایره واژگان کودکان قرار داد.

پ. گزاره‌ها یا جملات:

گزاره، واحد کلام بوده و می‌تواند سیری از غرض را بیان کند. گزاره‌ها یا جملات، تعاریف و باورهای انسان را شکل می‌دهند. جملات به دو شکل خبری و انشایی هستند:

• خبری: گزاره‌های هست و نیست، مانند دعوا بد است.

• انشایی: کودکان، اغلب، تعاریفشان را با جملات انشایی (طلب، تعجب، امری و...) بیان می‌کنند.

تعاریف نیز در دو شکل فطری و عقلی هستند:

• تعاریف فطری: آن بخشی از تعاریف هستند که با خدا ارتباط پیدا می‌کنند. اصلی‌ترین تعریفی که در کودک متولد می‌شود تعاریف‌های مربوط

به خداست؛ از این رو همه کودکان موحد متولد می‌شوند و بعدها ممکن است توحیدشان دچار خدشه شود. بنابراین لازم نیست خدا را برای کودک توضیح داد، چون او خود، خدا را وجدان می‌کند. خدا در نزد کودکان، «معروف» است. او خدا را حتی زودتر از خودش می‌شناسد و از این روست که در روایت آمده: گریه بچه در ۴۰ روز اول، لا اله الا الله می‌گوید.

در حقیقت، این پدر و مادر هستند که باید با تولد کودکشان، یکبار توحید خودشان را صفر کرده و از فرزندشان به عنوان یک فرد بخواهند که موحد بودن را به آنها یاد بدهد. کودکان قدرت القایی زیادی دارند و از این قدرت آن‌ها می‌توان در راستای موحد شدن خود بهره برد.

مثلاً سوره‌ای از قرآن را بلند برای او بخوانید و به او

بگویند به من یاد بده که چطور این سوره را بفهمم. البته این به شرطی است که باور کنید که او سوره را فطرتاً فهمیده است. بعد در او نگاه کنید و آنچه او فهمیده را دریافت نمایید. کودکان الزاماً با شما حرف نمی‌زند؛ بلکه حقایق را در وجود شما القاء می‌کند. هرچه کودک به زمان تولدش نزدیکتر باشد، حالت القایی در او قوی‌تر است.

• تعاریف عقلی: که باید به کودک آموخته شوند. هرچه گزاره‌ها عمومی‌تر و حقیقی‌تر بوده و روی بحث حسن و احسان برود (مثل مفهوم خوبی و بدی) برای کودک قابل فهم‌تر و ملموس‌تر است. اشکال مختلف شکل‌گیری تعاریف، در مراحل رشد کودک در بستر کلامی را، می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد:

تکلم طیب	قبل از تولد	جنین	شیرخوارگی	تکلم	تکلم کامل
گزاره، تعاریف	- تعاریف و اصلاح تعاریف والدین درباره فرزندشان؛ مثلاً اینکه فرزند، باقیات الصالحات است.	- تعاریف، محل نزول رحمت، جریان رحمت و افاضه فضل هستند.	- زمان بروز تعاریف والدین درباره فرزند است.	- انتقال تعاریف به وسیله گزاره‌ها اتفاق می‌افتد.	- بازگو کردن تعاریف و گزاره‌های حقیقی (خوب و خوب‌تر، بد و بدتر، خیر و... موضوعیت پیدا می‌کند.
- این تعاریف شکل گرفته در والدین، بر فرزند تأثیر مستقیم دارد.	- این تعاریف شکل گرفته در والدین، بر فرزند تأثیر مستقیم دارد.	- این تعاریف شکل گرفته در والدین، بر فرزند تأثیر مستقیم دارد.	- کودک، به طور نامحسوس، تعاریف والدین درباره خودش را دریافت می‌کند.	- والدین باید گزاره‌های حقیقی جاری را به فرزند انتقال دهند. ^{۱۳}	- تکلم با فرزند مهم می‌شود.
				- گزاره‌های امنیت‌بخش بسیار مهم هستند.	

در راستای شکل‌گیری تعاریف درست در کودک، توجه به نکات زیر برای والدین ضروری است:

۱. اصلاح تعاریف و گزاره‌های والدین بسیار مهم است. از جمله اینکه والدین باید فرزند را ولی نعمت خود بدانند. در این صورت، طبق نظام الهی با هر فرزندی، ولی نعمتی، سروری و سیدی به آنها اضافه شده و او را موجود اضافه‌ای نمی‌بینند.

۲. گزاره‌هایی که در والدین شکل می‌گیرند، به‌ویژه در دوره جنینی، در فرزند تأثیر مستقیم داشته و هرچه این تعاریف عمیق‌تر باشند، بهره فرزند و فیض او را بیشتر می‌کند.

۳. در دوره شیرخوارگی:

- اسم‌ها برای کودک به تعاریف و واژه‌ها برای او به باور تبدیل می‌شوند؛ از این رو، مهمترین کاری که والدین در این دوره انجام می‌دهند، انتخاب اسم خوب برای کودک است؛ چرا که نشان‌دهنده تعاریف آن‌ها نسبت به وی می‌باشد. اسم‌هایی که والدین به کار می‌برند در واقع برنامه‌ریزی کردن برای بچه است.

- بروز هر اسمی به کودک، حتی به صورت شوخی، اگر نادرست و نامطلوب باشد، ارائه‌دهنده تعاریف نادرست به اوست.

- هم‌چنین احترام و تکریم والدین نسبت به کودک، در قالب خطابات و اسماء، به انتقال تعاریف منجر

می‌شود.
- اعتقاد و باورهایی که والدین درباره فرزندشان دارند، در این دوره، به وی منتقل می‌شود.
- دوره جنینی تا شیرخوارگی، در قرآن، با نام فصل (تمایز)^{۱۴} یاد شده است. در این دوره، اعتقادات و باورها، به طور کامل، به کودک منتقل می‌شوند؛ از این رو، هرچه والدین تعاریف خود را نسبت به کودک، از پیش از تولد بالاتر برده و در افق وسیع‌تری قرار دهند، در هنگام شیرخوارگی می‌توانند با بهره‌گیری از انواع اسم‌هایی که کودک خود را با آن‌ها مورد خطاب قرار می‌دهند (البته با مدنظر داشتن تعاریف مرتبط)، آن تعاریف را به او منتقل کرده و

ایجاد تمایز را در او باعث شوند.

۴. در این دوره تعریف خیر موضوعیت پیدا می کند

که تفصیل آن به دوره دوم رشد منتقل می شود.

۵. انواع تعاریفی که در این دوره مطرح می شوند:

ایجابی یا سلبی، مطلق به قیود و مقایسه ای می باشند.

اولین اصلاح در حوزه انسان، اصلاح مقایسه ها و پایه ای ترین تعریف برای انسان، نفع و ضرر است.

مثلا به کودک گفته می شود: تلویزیون می بینی یا به پارک می روی؟ (مقایسه) و کاری می کنی که پارک رفتن برای او ارجحیت پیدا کند؛ زیرا نفعش بیشتر است (نفع معنوی).

۶. باید دانست همه رفتارهای ارادی و اختیاری انسان ها (چه کودک و چه بزرگ) براساس تعاریف آن ها اتفاق می افتد که آیا به نفعشان است یا به ضررشان.

۷. استخراج لیستی از تعاریف قابل انتقال به کودکان، بر اساس ادعیه حضرت زهرا (علیها السلام) یا مبانی دوره های رشد بسیار راهگشاست.

۸. پایه تعاریف در هفت سال اول رشد، مسائل فطری می باشد که درباره خداست. لازم نیست خدا را برای او توصیف کرد یا شرح داد؛ چون او فطرتا خدا را می فهمد.

۹. خیر در هفت سال اول، خودش را به صورت نفع

نشان می دهد که پایه تعریف در حوزه عقلی در این دوره است.

۱۰. به هم ریختن مبناهای نفع و ضرر از کودکی شروع شده و باعث می شود فرد همیشه ضررها را به جای نفع اختیار کند و اینگونه هیچ وقت نفع حقیقی را تشخیص نمی دهد.

ت. تالیف گزارها، کلمات، کلام (متن سازی):

سیر مجموعه ای از گزارها را متن سازی می گویند که در همه دوره ها نیز وجود دارد. هر آنچه از هر کسی صادر می شود، حتی به اندازه یک کلمه، در حقیقت، متن است.

متن، در بردارنده کلام و کلمه است، نه اینکه کلمه، متن را شکل دهد؛ از این رو متن گونه دیدن بسیار مهم است.

متن دیدن زندگی یعنی:

«قَالَ عَ إِذَا كَانَ فِي رَجُلٍ خَلَّةٌ [رَائِعَةً] رَائِقَةً فَانْتَظِرُوا [مِنْهُ] أَحْوَاتَهَا»^{۱۰}.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: اگر در مردی خصلتی خوشایند باشد، همانندهای آن را در انتظار باشید.

از این رو کسی که زندگی را به صورت یک متن می بیند می بایست برای قرار دادن خود در متن زندگی سالم تلاش کند.

مثلا در ادعیه حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) همه چیز را در متن موحدانه می بیند یا آنچه مادر حضرت

مریم (علیها السلام) انجام می دهند، نشان از فردی است که در فرآیند زندگی اش به این نتیجه رسیده که عبد باشد و این عبد بودن را در قالب چنین امری بروز داده است: «إِذْ قَالَتْ أَمْرَأْتُ عَمْرَأَنَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^{۱۱}؛ (به یاد آر) هنگامی که زن عمران گفت: پروردگارا، من برای تو نذر کردم که آنچه در شکم خود دارم آزاد باشد (آزاد از هر شغل و مخصوص خدمت بیت المقدس باشد) پس، از من قبول کن، زیرا تویی که شنوا و دانایی. (خادم بیت المقدس باید پسر باشد و زن عمران گمان می کرد حملش پسر است)».

در متن سازی، تألیف میان همسران، مهم ترین و اصلی ترین گزاره است.

سوره مبارکه نور در متن سازی زندگی طیب نکات بسیار مهمی را گوشزد می کند. در این سوره اثبات می شود که شما در جامعه ای زندگی می کنید که منکرات هم ممکن است وجود داشته باشد، یعنی یک زندگی صد درصد مومنانه وجود ندارد، با این حال شما باید با اجتماع ارتباط داشته باشید و در این ارتباط، امر به معروف و نهی از منکر را مدنظر بگیرید، اما قطع ارتباط و قطع رحم نداشته و سعی کنید با دعا رفع آسیب کنید.

تکلم طیب	قبل از تولد	جنین	شیرخوارگی	تکلم	تکلم کامل
متن	سورسازی؛ سوره مبارکه نور: ﴿سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَ فَرَضْنَاهَا وَ أُنزِلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (۱)				

۱. انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (علیه السلام)، تألیف احمد رضا اخوت.

۲. در تمامی مطالب پیش رو، منظور از والدین، تمامی کسانی است که به نوعی در تربیت کودک سهمی بر عهده دارند، اعم از: پدر و مادر، دایه، مربی و ...

۳. برای مطالعه بیشتر در این باره، به کتاب «نظام سازی ایمان» (انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (علیه السلام)) رجوع شود.

۴. برای مطالعه بیشتر درباره انواع کلام می توانید به سوره مبارکه محمد مراجعه کنید.

۵. سوره مبارکه فتح؛ آیه ۲۹

۶. در تمامی مطالب پیش رو، منظور از والدین، تمامی کسانی است که به نوعی در تربیت کودک سهمی بر عهده دارند، اعم از: پدر و مادر، دایه، مربی و ...

۷. سوره مبارکه ابراهیم؛ آیه ۳۷ تا ۴۱

۸. جهت بررسی و تمرکز بر مؤلفه های کلامی کودک، برای نسل توحیدی و نیز اصلاح خانواده می بایست روی تمامی پنج دوره ذکر

شده و برای مهد های کودک صرفا به دوره پنجم پرداخته شود.

۹. برای داشتن لحن طیب، قرائت سوره مبارکه طور توصیه می شود.

۱۰. سوره مبارکه طور؛ آیات ۱۷ تا ۲۶

۱۱. در سوره مبارکه محمد، لحن های خشونت، بی احساسی و بی خیالی نسبت به پیامبر (علیه السلام) را بیان کرده است.

۱۲. واژه های حرفی، قید و تاکید را برای کودک می سازند.

۱۳. بیشترین گزاره های حقیقی، گزاره های عینی هستند، مثلا آسیب رساندن به خود، به آسیب دیدگی منجر می شود. این گزاره ها، گزاره های حقیقی و امنیت بخش هستند.

۱۴. ﴿وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ فِضَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (سوره مبارکه احقاف؛ آیه ۱۵)

و ما انسان را سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، (خاصه مادر) زیرا مادرش (بار وجود) او را به سختی حمل کرده و به سختی فرو نهاده و (دوران) بارداری و (شیرخواری تا) از شیر گرفتن او سی ماه است (که مجموع کمترین مدت زمان حمل شش ماه، و بیشترین مدت زمان شیر دادن دو سال است، یا بیشترین زمان حمل یک سال، و کمترین زمان شیر دادن هجده ماه). تا آن گاه که به کمال نیروی (جسمی و عقلی) خود و به چهل سالگی رسید گفت: پروردگارا، مرا الهام کن و توفیق ده تا نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته ای (نعمت ظاهری مادی و نعمت معنوی عقل و ایمان) سپاس گزارم و عمل صالحی که تو از آن خشنود شوی به جا آورم، و فرزندانم را برای من صالح گردان، که من به سوی تو بازگشتم و بی تردید از تسلیم شدگانم. (آیه درباره انسان مؤمن صالح است).

۱۵. نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص: ۵۵۴

۱۶. سوره مبارکه آل عمران؛ آیه ۲۵

پیش خوان

در دست تدوین: کتابچه مهارتی مجموعه یادداشتهای مادر و کودک

هستند و مطالعه متون باعث می‌شود فهم دعا و عمل به آن در زندگی برای مادر ایجاد شده و این مهم به فرزند منتقل گردد.^۱ همچنین سعی شده است که محتوای یادداشت‌ها واقعی بوده و توسط مادر و در ارتباط با فرزند خودش در شرایطی عینی و محقق شده، نوشته شوند. به نوعی می‌توان گفت تمام متن‌ها یا به عبارتی یادداشت‌ها بر مادر و کودک آزمایش شده است و تلاش بر این بوده که ضریب خطای کمی داشته باشد.

کتابچه فوق به زودی منتشر خواهد شد. نمونه‌ای از این یادداشت‌ها در متن ذیل آمده است:

مدتی است جمعی از قرآن‌پژوهان مدرسه قرآن بر اساس مبانی کتاب «با کودکان خود طیب سخن بگوئیم» و محتوای ادعیه حضرت زهرا (علیها السلام) در صحیفه فاطمیه، درصد تولید کتابچه‌های مهارتی با عنوان «مجموعه نداشت‌های مادر و کودک» برآمده‌اند.

مجموعه یادداشت‌های مادر و کودک، حاوی یادداشت‌هایی است که به صورت عملی به مادران می‌آموزد چگونه قرآنی باشند و در زندگی و برخوردها و مواجهاتشان با کودک، از منبع وحی و کلام معصومین علیهم‌السلام بهره‌مند شوند. در این کتابچه سعی بر این بوده است که همه یادداشت‌ها به نوعی ارتباط مادر را با بکارگیری ادعیه در زندگی بیشتر کند. لذا مخاطب متن‌ها ابتدا والدین

موضوع یادداشت: آموزش حدود اشیای طیب

رده سنی: دوره اول رشد، تولد کلام (استفاده از کلمه، ۲-۳ سال)

مسیر آموزش: سازماندهی فکر کودک مبتنی بر قاعده حرف و قید

فواید (اهداف) آموزش: فهم محدودیت‌ها، شناخت ظرف‌های مختلف، لزوم وجود محدوده

مساله یادداشت: لزوم محدوده‌ها برای نگهداری از آب

بعد می‌گوید: اتاق می‌شود مثل جوب آب. می‌خندم از شباهت دادنش! اتفاقاً حرفش در راستای فکر خودم است.

موقع خواب که می‌شود تازه دلش می‌خواهد بازی کنیم. از خستگی به زور چشمانم را باز نگه می‌دارم. انگار بیشتر دلم می‌خواهد که دراز بکشد تا به این بهانه بخوام.

گفتم: اگه جوب دیواره نداشت چی می شد؟ با مردمک چشمانش دایره ای می سازد و می گوید: همه آب هایش می ریزد در خیابان. بعد خیابان می شود دریا!

می‌گویم: دریا؟ دریا که خیلی بزرگ است. اگر دریا آبش می‌ریخت بیرون چی می‌شد؟ اگه یک جایی نبود که آب دریا را جمع کند؟

می‌گوید: وایای آب دریا خیلی زیاد است. همه جا را آب
بر می‌دارد! تازه دیگر نمی‌شود بپریم توی آب، چون دیگر
آبی توی آن نبود! مثل استخر!

کاسه آبش را بر میدارد، با دستانش دیواره‌هایش را سفت فشار می‌دهد. آب را تا ته می‌خورد. یک یا حسین

می گوید و می خوابد.^{۳۹۲}

می‌گوید: مامان، آب می‌خواهم. می‌گویم: امشب نوبت خودت است. پاشو پاشو، من هم تشنه هستم.
با نقی کشیده می‌گوید: مامااااا... خواهش... خودت. می‌گویم: نه دیگر امشب نوبتی هم که باشد نوبت خودت است، مرده و قولش! پاشو.

پاهایش را می‌کشد روی زمین، به آشپزخانه که می‌رسد با صدای بلند می‌گوید: بطری آب را ببار. با لیوان. وارد اتاق می‌شود، به جای لیوان یک کاسه بزرگ شیشه‌ای آورده است! برایم در کاسه آب می‌ریزد. می‌خواهم آب را سر بکشم، به او می‌گویم: محمد! اگر این کاسه نبود آب چه می‌شد؟

می‌گوید: خب همه اینجا خیس می‌شد... تشک، یتو و ملافه.

نماینند.

۲. دعای تعقیب نماز مغرب حضرت صدیق طاهره علیه السلام: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَكَلَمَاتِهِ ... وَقَفْتُ عَلَى حُدُودِهَا الْبَحَارُ وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِهِ وَانْقَمَعَتِ الْاَرْبَابُ لِرُبُوبِيَّتِهِ ...

۳. ر.ک. کتاب با کودک خود طبخ سخن بگویم، فصل قید و حرف.

۱. تأکید بر نقش مادر در این نوشتار، به سبب اهمیت این نقش است، چرا که محبت از طریق مادر به فرزند منتقل می‌شود و آنچه از آن به تربیت نام می‌برند را کودک (ابتدا از مادر مشاهده می‌کند. چنانچه خانه ای به هر دلیل از وجود مادر خالی باشد، خسارتی هنگفت گریبانگیر خانواده می‌شود و در این مصیبت پدر، یا دیگر افرادی که کفالت کودک را به عهده دارند باید نقش مادر را بخوبی ایفا نمایند تا بتوانند ذره ای از آسیب فقدان وجود مادر را جبران

صاحب امتیاز | احمد رضا اخوت

زیر نظر | هیأت سردبیرے

مدیر مسئول | فاطمہ سادات شریعتمدارے

هیأت تحریریه | دانشجویان مدرسه قرآن و عترت علیہ السلام (کاشفیون)

کانال اطلاع رسانی

مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت علیہ السلام

@QuranEtratSchool